

### چکیده

بخش فراوانی از آموزه‌های روایی، به بیان ثواب اعمال اختصاص دارد که می‌توان با نگاه تربیتی، آنها را تجزیه و تحلیل کرد. آموزه‌های یادشده، تنوع گسترده‌ای دارند. یکی از قالب‌های عام، استفاده از قالب تمثیل است. در تمثیلات ثوابی، به سبب طبیعت تمثیل و تشبیه، ارزش «مشبه‌به» به مراتب بیشتر از «مشبه» بوده و بدین سبب، انگیزه‌ی لازم برای انجام کار در مخاطب ایجادشده است. استفاده از قالب تولد دوباره، یکی از تمثیلات ثوابی است که کاربرد نسبتاً فراوانی دارد. با پژوهشی که انجام یافت، آشکار شد قالب «کَیَوْمٍ وَوَلَدَتْهُ أُمُّهُ»، بیش از سی‌بار در روایات به کار رفته است که همگی را می‌توان در سه محور مقدمات عبادت، عبادت و خدمات اجتماعی، ذیل هفت عنوان دسته‌بندی کرد: ۱. وضو و غسل، ۲. نماز، ۳. روزه، ۴. حج، عمره و زیارت، ۵. قرائت قرآن، ۶. ذکر و دعای خاص، ۷. رسیدگی به بیمار و تجهیز میت. در این دسته از روایات، تولد دوباره و بازگشت به پاکی روز ولادت، پاداش عناوین هفت‌گانه‌ی یادشده معرفی شده است. از کنار هم نهادن این عناوین، با بررسی محتوایی و فارغ از بحث سندی می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که عناوین یادشده، زمینه‌ی توبه و آمرزش گناهان را برای فرد انجام‌دهنده فراهم می‌کنند که به فعلیت رسیدن آن، در گرو عمل به مجموعه آموزه‌های دینی است؛ ضمن اینکه تعیین ثواب بازگشت به پاکی روز ولادت، برای عناوین هفت‌گانه‌ی یادشده، امری قراردادی نیست، بلکه نوعی حکایت از واقع و تأثیر تکوینی عمل است.

### اکبر ساجدی

دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه

علوم پزشکی تبریز

sajedia@tbzmed.ac.ir

### جواد نعمتی

عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه

پژوهش‌های بین رشته‌ای معارف

اسلامی و علوم سلامت و استادیار گروه

معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی

تبریز، نویسنده مسئول

nematij@tbzmed.ac.ir

### واژگان کلیدی:

روایات ناظر به ثواب «کَیَوْمٍ وَوَلَدَتْهُ

أُمُّهُ»، تمثیل، تولد دوباره.

آموزه‌های اسلامی به‌ویژه روایاتی که از معصومان<sup>(ع)</sup> به یادگار مانده است، سرشار از تعبیر انگیزشی است که مخاطب را به‌سوی کارهای نیک سوق می‌دهند و از کارهای نشت بر حذر می‌دارند. بیان ثواب و عقاب اعمال بدین منظور است. علم و آگاهی از تأثیر عمل -چه تأثیر اخروی و چه تأثیر دنیوی- عاملی انگیزشی برای انجام کارهای نیک و مانع مهمی در ترک کارهای بد تلقی می‌شود.

تعبیر آموزه‌های اسلامی، در بخش ثواب و عقاب، به‌اندازه‌ای گوناگون و گسترده است که محدث گران‌قدری چون شیخ صدوق، کتاب مستقلی را با عنوان *ثَوَابُ الْأَعْمَالِ وَ عِقَابُ الْأَعْمَالِ* تالیف کرده و روایات فراوانی را در بیان پاداش اعمال پسندیده و مجازات کارهای ناپسند جمع‌آوری نموده است (صدوق، ۱۴۰۶، ص ۱ - ۲۹۵)؛ همچنین او روایاتی را از ائمه‌ی معصومین<sup>(ع)</sup> درباره‌ی اعمال خیری که خداوند وعده‌ی پاداش و اعمال شری که به آنها وعید عذاب و عقاب داده، آورده است. در حقیقت، این کتاب دائرةالمعارف بزرگی است که در معارف اسلامی، اخلاقی و احکام حلال و حرام بحث کرده است. شیخ صدوق، در بخش ثواب الاعمال، ۷۷۸ حدیث را در ضمن ۳۹۱ عنوان گردآوری کرده و در بخش عقاب الاعمال نیز، ۳۳۱ حدیث را در ضمن ۱۳۱ عنوان تنظیم نموده است. این کتاب با این حجم از روایات، نشان‌دهنده‌ی نقش انگیزشی آگاهی از ثواب و عقاب در رفتار انسان است. تعبیر ثواب و عقاب نیز داستان جالبی دارد. استفاده از تشبیه، یکی از قالب‌های مرسوم در این‌گونه روایات است. از آنجاکه مخاطب نسبت به «مشبه‌به»، احساس بیشتر و شدیدتری دارد، فعلی که آموزه‌ها درصدد تشویق و یا تحذیر آن هستند، به‌صورت «مشبه» مطرح‌شده است تا انگیزش کافی حاصل شود.

یکی از این تعبیر که در روایات فراوان به‌کاررفته است، قالب «*کَیَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمَّهُ*» است. در این دسته از روایات، انجام کار نیک ویژه‌ای، به‌سان بازگشت به پاکی روز ولادت معرفی شده است. بازگشت به کودکی و پاکی‌های آن، آرزوی نهفته‌ای است که در نهاد انسان، به‌صورت حس مبهمی وجود دارد. امروزه، در بعضی از اصطلاحات روانشناسی، از «کودک درون» و «تولد دوباره» سخن گفته می‌شود که جستجو و یافتن تقارب معنایی میان آموزه‌های اسلامی با این اصطلاحات می‌تواند موضوع مناسبی برای تحقیق و پژوهش باشد.

اما آنچه نویسندگان در این نوشتار، به دنبال آن هستند جمع‌آوری و دسته‌بندی روایاتی است که ثواب «*کَیَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمَّهُ*» و یا تعبیر مشابه را مطرح کرده‌اند تا از کنار هم گذاشتن این قالب آشکار شود که کدام اعمال با این تعبیر تشویق شده‌اند و رابطه‌ی این اعمال باهم چیست؟ درباره‌ی پیشینه پژوهش، گفتنی است با مراجعه به منابع اطلاعاتی معلوم شد تاکنون هیچ مطالعه‌ی نظام‌مندی درباره‌ی موضوع بازگشت به پاکی روز ولادت و روایات ناظر بر ثواب «*کَیَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمَّهُ*» انجام نشده است؛ از این‌رو می‌توان موضوع مقاله را کاملاً بدیع دانست، درعین حال نمی‌توان از نظر دور داشت که آثاری درباره‌ی موضوع ثواب و عقاب اعمال نوشته‌شده است (نک: صالح‌آبادی، ۱۳۹۲، ص ۸۱ - ۱۰۴؛ عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۱، ص ۲۲ - ۵۵؛ النمری، ۱۴۲۰، ص ۲۲ - ۳۰).

## تشویق و تحذیر در قالب تشبیه

ایجاد انگیزه چه در بُعد ایجابی و چه در جنبه سلبی می‌تواند در قالب‌هایی رخ دهد. قالب تشبیه و تمثیل یکی از تأثیرگذارترین قالب‌هایی است که از دیرباز، بشر در گفتگوهای خود به آن دست یافته است. تشبیه و تمثیل از بهترین ابزار برای رساندن مقصود گوینده به‌شمار می‌رود. در میان کتاب‌های آسمانی، انجیل از زبان تمثیلی و تشبیهی، بسیار استفاده کرده است (قاسمی و ایازی، ۱۳۹۴، ص ۵۱).

قرآن نیز از قالب تشبیه و تمثیل، بسیار بهره جسته است. مثال‌های قرآن، نقش مؤثر و منحصر به فردی در پرورش نفوس و هدایت انسان‌ها بر عهده داشته است. در تمثیلات قرآن، شنونده خود را با يك جلوه ادبی و هنری محض روبرو نمی‌بیند که تنها احساسات او را برانگیزد، بلکه در کنار این جنبه‌ها، اهداف و آثار تربیتی گوناگون و متعددی تعقیب می‌شود (محمدقاسمی، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

در روایات نیز، معصومان<sup>(ع)</sup> از تشبیه و تمثیل بسیار استفاده کرده‌اند. آموزه‌های روایی برای ترسیم بسیاری از معارف عمیق، ژرف و دور از دسترس فهم عامه‌ی مردم، از این شیوه بهره فراوان برده و روایات از این عنصر بلاغی، برای محسوس نمودن مفاهیم عقلی و معنوی به‌خوبی استفاده کرده است. روایات تمثیلی، برگرفته از منبع وحی است و ارتباط تنگاتنگی باهم دارند. در این میان، بخش فراوانی از تشبیهات و تمثیلات، به بیان ثواب و عقاب اعمال اختصاص یافته است.

## الف. تمثیلات ثوابی

در حوزه‌ی ثواب تمثیلاتی وارد شده است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. تلاش برای تأمین نیازهای خانواده مانند جهاد در راه خدا معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۸۸).
  ۲. در روایتی، کسی که از گناه توبه می‌کند، به کسی که اصلاً گناهی ندارد، تشبیه شده است (همان، ج ۲، ص ۴۳۵).
  ۳. مشارکت در بعضی از خدمات اجتماعی در قالب کفن کردن یک مؤمن، به پوشاندن او تا روز قیامت (همان، ج ۳، ص ۱۶۴) و همین‌طور آماده‌سازی قبر برای او، به خانه‌دار کردنش مانند شده است (همان، ج ۳، ص ۱۶۵).
  ۴. ابراز علاقه و محبت به امامان<sup>(ع)</sup> به‌ویژه امام حسین<sup>(ع)</sup>، در قالب زیارت، به‌سان شهادت در کنار حضرت معرفی شده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۱۷۳).
  ۵. بر اساس روایتی، انتظار فرج و ظهور امام زمان<sup>(عج)</sup> مانند شهادت در رکاب رسول‌الله<sup>(ص)</sup> (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷۴) و در روایت دیگری، به غلتیدن در خون تشبیه شده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۴۵).
  ۶. اذان از روی اخلاص، به مبارزه با شمشیر در راه خدا (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۷۴) و در روایتی، به شهیدی که در خونش غلتیده تشبیه شده است (المنای، ۱۹۹۴، ج ۱۱، ص ۲۳۷).
  ۷. قرائت یک آیه در ماه رمضان (صدوق، ۱۳۹۶، ص ۹۷) و سه مرتبه سوره‌های توحید و معوذتین هنگام خواب (نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۹۳) و قرائت چهار بار سوره‌ی زلزال (نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۳۶۷)، معادل ختم قرآن معرفی شده است.
- استفاده از قالب تمثیل برای بیان ثواب، به‌مراتب بیش از آن است که ذکر شد. در هر حال

معلوم می‌شود که این قالب، قالبی عام و پرکاربرد است.

## ب. تمثیلات عقابی

در حوزه عقاب نیز تمثیلاتی وارد شده که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. خیانت به مؤمن، در ترک عمل به وصیت حج، مانند زنا با محارم معرفی شده است (همان، ج ۸، ص ۶۱)؛ همین‌طور روایتی، تشبیه عقابی را چنین بیان کرده است: «هر که دنبال حاجت برادر دینی خود رود و سپس نسبت به او خیراندیشی نکند، مانند کسی است که به خدا و رسولش خیانت کرده و خدا خصم او است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۳).
  ۲. در نگوهرش ربا چنین وارد شده که: «ربا هفتاد قسم است که سهل‌ترین آن مانند این است که مردی با مادرش، در مسجد الحرام زنا کند» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۲).
  ۳. بر اساس روایتی، افشای فاحشه به سان انجام دادن آن معرفی شده است (همان، ص ۳).
  ۴. رضایت به فعل قبیح، مانند انجام دادن آن شمرده شده (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۹۹) و در روایتی، اثر رضایت به فعل قبیح، به اندازه‌ای شدید معرفی شده که اگر کسی در مشرق کشته شود و فردی دیگر در مغرب به این قتل راضی باشد، مانند کسی است که او را کشته است (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۶۱).
  ۵. استغفار در حال اصرار بر گناه، به مسخره کردن خدا تشبیه شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۳۵).
  ۶. بر اساس روایتی، شرب خمر به بت‌پرستی تشبیه شده است (همان، ج ۶، ص ۴۰۴).
  ۷. انکار ولایت اهل‌بیت، به سان انکار معرفت‌الله بیان شده است (همان، ج ۱، ص ۱۸۱).
  ۸. اقدام به پیشگویی و سحر، به کافر تشبیه شده و در ادامه، جای شخص کافر منحصرأ آتش جهنم معرفی شده است (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۹۷).
- موارد گفته‌شده، تنها بخشی از تمثیلات ثوابی و عقابی است که برای تقریب فهم مخاطب، ایجاد انگیزش در بعد ایجابی و سلبی و نهایتاً برای تبیین وجود رابطه‌ی تکوینی میان «مشبه» و «مشبه‌به» از سوی معصومان<sup>(ع)</sup> بیان شده است.

## تقسیم‌بندی ثواب‌های قالب «کیوم وکدته اُمّه»

با مراجعه به متون روایی به‌دست آمد که بیش از سی بار، قالب «کیوم وکدته اُمّه» در بیان معصومان<sup>(ع)</sup> به‌کار رفته است. این دسته از روایات را می‌توان ذیل هفت عنوان کلی دسته‌بندی کرد: ۱. وضو و غسل، ۲. نماز، ۳. روزه، ۴. حج، عمره و زیارت، ۵. قرائت قرآن، ۶. ذکر و دعای خاص، ۷. رسیدگی به بیمار و تجهیز میت.

در این دسته از روایات، ثواب عناوین هفت‌گانه‌ی یادشده، تولد دوباره معرفی شده است.

## ۱. وضو و غسل

وضو یکی از مناسک تعبدی است که مانند سایر اعمال عبادی می‌تواند به تقویت ایمان و روحیه‌ی تعبد و بندگی منجر شود. پیامبر گرامی<sup>(ص)</sup> وضو را یکی از مقدمات رسیدن به حقیقت

ایمان و باز شدن درهای بهشت معرفی کرده است (عریضی، ۱۴۰۹، ص ۳۴۰).

بعضی از آثار معنوی و مادی وضو، با علم عادی قابل درک است. از نظر معنوی، چون قصد قربت در وضو الزامی است، اثر تربیتی و اخلاقی دارد. کسی که وضو می‌گیرد، با وضویش می‌خواهد اعلام کند که از سر تا پا، در راه اطاعت و بندگی خدا گام برمی‌دارد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۹۱). وضو علاوه بر برکات معنوی، آثار مادی دارد که از جمله‌ی آنها می‌توان به تعادل اعصاب و تأمین بهداشت ظاهری انسان اشاره کرد. انسان نمازگزار هر روز، چندین بار با شستن دست، صورت و مسح سر و پا، بخش فراوانی از بهداشت بدنی خود را تأمین می‌کند. بر اساس بعضی از تحقیقات، وضو حتی می‌تواند از برخی بیماری‌های پوستی پیشگیری کند (کریمی یزدی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

با این حساب، اگر وضو می‌تواند پاکی و طهارت ظاهری را تأمین کند، می‌تواند به اذن الهی، پاکی و طهارت روحی انسان را نیز در پی داشته باشد؛ از این رو، در روایتی، اثر بازگشت به پاکی روز ولادت برای انجام وضو مقرر شده است: «زمانی که عبد وضو می‌گیرد، خداوند تمام پلیدی‌ها و نجاسات را از او دور می‌سازد و اگر کسی وضویش را نیکو انجام دهد، از گناهانش خارج می‌شود، به‌سان روزی که از مادر زاده شده است» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۵۸).

نه تنها وضو بلکه سایر طهارت‌ها نظیر غسل نیز، اثر پاکی درونی و بیرونی دارند. در آموزه‌های دینی، بر انجام غسل در زمان‌های خاصی نظیر ماه رجب و ماه رمضان تأکید فراوان شده و اثر معنوی تولد دوباره و بازگشت به پاکی روز ولادت بر آن مقرر شده است: «هر کس ماه رجب را درک کند و در اول، نیمه و آخر آن غسل کند، از گناهانش خارج می‌شود، به‌سان روزی که از مادر زاده شده است» (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۷۳).

در توضیح این روایت می‌توان گفت: انسان هنگامی که عمل نیکی انجام می‌دهد، خداوند آن را به لطف و مرحمتش ده برابر می‌کند (انعام: ۱۶۰). حال، فردی که در اول، وسط و آخر ماه رجب غسل می‌کند، گویا همه‌ی روزهای ماه رجب را با طهارت بوده است، به‌ویژه که ماه رجب، اولین ماه از ماه‌های حرام است و حرمت ویژه‌ای دارد.

در روایات علاوه بر ایام ماه رجب، بر غسل شب‌های ماه مبارک رمضان، به‌ویژه شب‌های قدر نیز تأکید شده و بازگشت به پاکی روز ولادت بر آنها مقرر گشته است: «هر کس در شب‌های ماه رمضان غسل کند، از گناهانش خارج می‌شود به‌سان روزی که از مادر زاده شده است. عرض کردم: ای پسر رسول خدا! شب‌های غسل کدامند؟ فرمود: شب‌های هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه مبارک رمضان» (صدوق، ۱۳۹۶، ص ۱۳۷).

عظمت شب‌های قدر سبب می‌شود که ثواب اعمال خیر، در این شب‌ها، چند برابر گردد. ارزش شب قدر به علت ظرف بودن برای نزول قرآن است و از این روست که بر احیای آن با عبادت و راز و نیاز بسیار تأکید شده است (همان، ص ۱۰۵). قرآن این شب را شب نزول روح معرفی می‌کند (قدر: ۴). نزول روح را نیز می‌توان تولد دوباره انسان معنا کرد. در عبارات زیبایی، تولد دوباره در شب قدر چنین ترسیم شده است:

«تاریخ قبرستانی است طولانی و تاریک، ساکت و غمناک، قرن‌ها از پس قرن‌ها، هم تهی و هم سرد،

مرگبار و سیاه و نسل‌ها در پی نسل‌ها، همه تکراری و همه تقلیدی و زندگی‌ها، اندیشه‌ها و آرمان‌ها همه سنتی و موروثی، فرهنگ و تمدن و هنر و ایمان همه مرده‌ریگ! ناگاه در ظلمت افسرده و راکد شبی از این شب‌های پیوسته، آشوبی، لرزه‌ای، تکان و تپشی که همه‌چیز را برمی‌شوید و همه خواب‌ها را برمی‌آشوبد و نیمه سقفاها را فرومی‌ریزد. انقلابی در عمق جان‌ها و جوششی در قلب وجدان‌های رام و آرام، درد و رنج و حیات و حرکت و وحشت و تلاش و درگیری و جهد و عشق و عصیان و ویرانگری و آرمان و تعهد، ایمان و ایثار! نشانه‌هایی از یک تولید بزرگ، شبی آبستن یک مسیح، اسارتی زاینده یک نجات! همه‌جا ناگهان، حیات و حرکت، آغاز یک زندگی دیگر، پیداست که فرشتگان خدا همراه آن روح در این شب به زمین، به سرزمین، به این قبرستان تیره و تابه که در آن انسان‌ها، همه اسکلت شده‌اند، فرود آمده‌اند» (شریعتی، ۱۳۵۷، ص ۲۵۲-۲۵۳).

با این اوصاف، اگر در روایات به اثر معنوی طهارت‌بخشی این غسل‌ها در چنین شب‌هایی، با تعابیری چون «گیوم وکدته اُمه» تصریح شده است، جای هیچ استبعادی باقی نمی‌ماند. در حقیقت، شرافت زمان و مکان، سبب دوبرابر شدن ارزش کار نیکی می‌شود که در آن ظرف انجام شده است. کاشف‌الغطا درباره‌ی مکان‌ها و زمان‌های باشرافت می‌نویسد: «آنچه از روایات به دست می‌آید این است که ثواب طاعت و عقاب معصیت، در مکان‌ها و زمان‌های خاص، چند برابر می‌گردد و همین‌گونه است انجام مستحبات و مکروهات، در مکان و زمان‌های شریف به حساب شرافت مکان و زمان» (کاشف‌الغطا، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۶۱).

درباره‌ی غسل‌های شب‌های قدر چند نکته وجود دارد: اول اینکه این غسل مختص شب‌های قدر نیست، بلکه مستحب است انسان در همه‌ی شب‌های فرد<sup>۱</sup> ماه رمضان غسل کند؛ اما برای شب‌های قدر و نیز شب پانزدهم، هفدهم، بیست‌وپنجم، بیست‌وهفتم و بیست‌ونهم تأکید بیشتر شده است؛ نکته‌ی دوم مربوط به زمان غسل‌های یادشده است. این غسل‌ها را در هر وقت شب که انجام دهند، کافی است؛ ولی بهتر آن است که زمان انجام این غسل‌ها اندکی پیش از غروب باشد، به جز شب‌های دهه‌ی سوم ماه رمضان که انجام آن بین نماز مغرب و عشا بهتر است؛ نکته‌ی سوم اینکه مستحب است در شب بیست‌وسوم ماه مبارک رمضان، دو غسل یکی اول شب و دیگری در آخر آن انجام شود (خمینی، ۱۴۲۵ ج ۱، ص ۱۷۵).

آری، مهم‌ترین فلسفه‌ی عبادت رسیدن به طهارت است، طهارتی که با اعمالی چون وضو و غسل به‌ویژه در زمان‌های خاصی مانند شب قدر می‌تواند به دست آید و انسان را به پاکی روز ولادتش برگرداند.

## ۲. نماز

نماز یکی از عبادات بزرگ اسلامی و ستون دین است (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۴) و مظهر کامل خشوع و خضوع در برابر ذات اقدس الهی است. عبادتی است که در ضمن آن، انسان در پیشگاه

۱- شب اول، سوم، پنجم، هفتم، نهم و ...

مقدس حق می‌ایستد، به بندگی خویش در برابر خالق بزرگوار و مالک خود اعتراف می‌کند، سخن دلش را به او می‌گوید، از درگاه مقدس آن ذات ذوالجلال کمک می‌خواهد، پیشانی در آستانه پاک او به خاک می‌ساید و حوائج خود را از او می‌طلبد.

نماز در روایتی از پیامبر<sup>(ص)</sup>، به‌سان نهری معرفی شده که از روبروی خانه‌ی هر مسلمانی، در حال جاری شدن است و مسلمانان هر روز پنج بار، خود را در آن آب زلال شستشو می‌دهند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۱).

در اهمیت نماز این مقدار کافی است که اگر قبول درگاه خداوند عالم شود، عبادت‌های دیگر هم پذیرفته می‌شوند و اگر قبول نشود اعمال دیگر هم پذیرفته نمی‌شوند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۶۸). در آموزه‌های اسلامی، ثواب‌های فراوانی برای نماز مقرر شده است که یکی از آنها بازگشت به پاکی روز ولادت است. نماز می‌تواند فرصت تولد دوباره‌ای را برای انسان فراهم کند و پاکی از دست‌رفته‌ی او را برگرداند. بر اساس این دسته از روایات که در ادامه خواهد آمد، نماز نوعی توبه و بازگشت به سوی خداست. نماز تطهیر قلب از اوساخ معاصی و زشتی‌هاست.

در روایتی، حضرت علی<sup>(ع)</sup> در میان اصحاب، از امیدبخش‌ترین آیه‌ی قرآن پرسید و هریک از حضار آیه‌ای را گفتند که منظور حضرت نبود و حضرت در پایان، بر اساس روایتی از پیامبر<sup>(ص)</sup>، آیه‌ای از آیات توصیه به نماز را یادآوری کرد و در ادامه، روایت ثواب بازگشت به روز ولادت را برای نمازگزار مقرر فرمود: «امیدبخش‌ترین آیه در کتاب خدا این آیه است: در دو سوی روز و اوایل شب، نماز را برپا دار! سپس حضرت پیامبر تمام آیه را قرائت کرد و فرمود: یا علی! قسم به کسی که مرا به حق مبعوث کرد تا بشیر و نذیر باشم! اگر یکی از شما وضو بگیرد، گناهایش از اعضای بدنش می‌ریزند و زمانی که با برون و درونش به خدا روی کند، از نمازش بازمی‌گردد، جز آنکه از گناهایش چیزی نمانده است، مثل روزی که از مادر زاده شد؛ پس اگر میان دو نماز، به گناهی آلوده شود، چنین است تا اینکه هر پنج نماز را شمرد» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۱)؛ یعنی با به‌جا آوردن نماز واقعی و ایجاد هماهنگی میان درون و برون، انسان تولد دوباره‌ای می‌یابد و اگر در میان نمازهای پنج‌گانه به خاطر فراموشی، خطا و لغزشی از او سر بزنند، با نماز بعدی می‌تواند آن خطا را از خود دور کند و پاکی از دست‌رفته را بازیابد.

در روایت دیگری، به خلوص نیت در نماز تصریح شده و همین اثر برای نماز خالصانه مقرر شده است: «زمانی که بنده به نماز برخیزد و تمام میل و درونش به خدای متعال متوجه باشد، هنگامی که از نماز فارغ می‌شود، مثل روزی است که از مادر زاده شده است» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۵۹). طبق این روایت، تولد دوباره اثر مطلق نماز نیست، بلکه شرایطی وجود دارد که خلوص نیت یکی از مهم‌ترین آنهاست.

بازگشت به پاکی روز ولادت، مخصوص نمازهای یومیه نیست، بلکه برای نمازهای مستحبی نیز این قالب به‌کار رفته است؛ مانند نماز شب (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۷۵). نماز شب اول ماه رجب (ابن‌طاووس، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۷۸)، نماز نیمه‌ی ماه رجب (همان، ص ۲۳۹)، نماز شب‌های ماه شعبان (کفعمی، ۱۴۱۸، ص ۱۷۱)، نماز امیرالمومنین (ابن‌طاووس، ۱۳۳۰، ص ۲۴۸)، نماز روز

سه‌شنبه (همان، ص ۴۱) و نماز شب چهارشنبه (همان، ص ۸۹).

## پاسخ به یک شبهه

طرح ثواب بازگشت به پاکی روز ولادت، پرسش‌هایی را ایجاد می‌کند که از آن جمله می‌توان این سؤال را طرح کرد که چگونه ممکن است برای کار ساده‌ای نظیر نماز، چنین تأثیری مقرر شده باشد. آیا اسلام، تنها نماز است و مناسک عبادی؟

در پاسخ باید چنین گفت: اسلام دین جامعی است که هم به مناسک و امور عبادی نظیر نماز، دعا، حج و زیارت اهمیت داده و هم به دخالت در مسائل اجتماعی مانند اقدام به فقرزدایی در قالب وجوب خمس و زکات توجه کرده است؛ از این رو در آیات قرآن، بیش از بیست‌بار، در کنار دستور و توصیه به اقامه نماز، به ادای زکات نیز توجه شده است؛ به‌عنوان نمونه: بقره: ۴۳، ۸۳، ۱۱۰، ۱۷۷ و ۲۷۷.

گوشه‌ای از جامعیت معارف اسلامی، در قالب معرفی چهره‌ی جامعه‌ی اسلامی مطلوب، در آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی فتح ترسیم شده است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ»<sup>۱</sup> (فتح: ۲۹).

در ابتدای این آیه، پیغمبر و همراهانش به نیرومندی و استحکام در برابر دشمنان و بیگانگان توصیف شده‌اند؛ یعنی اسلام دین مقدس‌مآبی و ظاهرسازی نیست که تنها به مناسک عبادی اهمیت بدهد و از مسائل اجتماعی غافل باشد. یکی از ویژگی‌های مطلوب مسلمان بر اساس این آیه، قوت و استحکام در برابر دشمن است؛ اما همین آیه در ادامه، دوستی و صمیمت میان مسلمانان را به‌عنوان شاخصه‌ی دیگری از جامعه‌ی اسلامی می‌ستاید؛ یعنی مسلمان واقعی با دوست و دشمن برخورد مناسبی دارد؛ این‌گونه نیست که تنها از اسلام چهره‌ی عبوس و خشمگینی نشان بدهد، بلکه به روح عاطفه و احساسات نیز توجه دارد. همین آیه، در وهله‌ی بعدی، به اهمیت دادن مسلمانان به مناسک عبادی نظیر نماز اشاره می‌کند؛ یعنی مؤمن واقعی کسی است که در برابر دشمنان قوی، در میان خودی‌ها نرم‌خو و در محراب عبادت در حال رکوع و سجده باشد. اینکه انسان به بُعدی از ابعاد دین توجه کند و بُعد دیگر را فراموش نماید، با روح آیات قرآن سازگاری ندارد (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۵۰۸).

از این رو، باید توجه داشت که اگر آموزه‌های اسلامی ثواب و فضیلت فراوانی برای نماز برشمرده‌اند و مثلاً ثوابی نظیر تولد دوباره را برای نماز مقرر کرده‌اند، همین آموزه‌ها، به ابعاد دیگری از وظایف انسان نیز نظر دارند و نمی‌توان با نادیده گرفتن انبوهی از این دست آموزه‌ها، به تصویری صحیح و درکی واقع‌بینانه از اسلام دست‌یافت. همین پرسش و پاسخ را می‌توان در سایر اموری طرح کرد که ثواب بازگشت به روز ولادت بر آنها مقرر شده است؛ به‌عبارت‌دیگر، در فهم چنین ثواب‌های به‌ظاهر دور از

۱- محمد<sup>(ص)</sup> پیامبر خدا و کسانی که با او هستند، بر کافران سختگیرند و با یکدیگر مهربان. آنان را بینی که رکوع می‌کنند، به سجده می‌آیند و جویای فضل و خشنودی خدا هستند.

واقع برای یک عمل ساده، باید عمل مدنظر را تنها مقتضی ثواب یادشده بدانیم؛ اما تحقق و دستیابی به آن را مشروط به شرایطی می‌دانیم که درمجموع آموزه‌های دینی بدان تصریح شده است؛ یعنی بگوئیم این اعمال می‌توانند این مقدار ثواب داشته باشند؛ نه اینکه همواره این مقدار ثواب دارند. به این ترتیب، ثواب‌هایی نظیر بازگشت به پاکی روز ولادت، نصیب هرکسی نخواهد شد و برای رسیدن به آن، علاوه بر انجام عمل یادشده، شرایط دیگری نیز وجود دارد که از آن جمله می‌توان به داشتن ایمان (نساء: ۱۲۴) و تقوا (مائده: ۲۷)، معرفت ولی‌الله (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۹) و عدم حبط (انعام: ۸۸) اشاره کرد. این بیانات قراین منفصلی هستند که قید همه‌ی اعمال و ارزش‌ها قرار می‌گیرند و نگاه جمعی به آموزه‌های دینی اقتضا می‌کند آنها را در کنار ادله‌ی دیگر در نظر بگیریم و مفادشان را بر آن ادله مقدم داریم. طبیعتاً نظر به شرطیت دائم این قیود، نیازی به بیان مکرر آن در همه‌ی موارد وجود ندارد؛ مانند عقل و اختیار که قید دائمی همه‌ی تکالیف است و لازم نیست در همه‌ی موارد بدان تصریح شود. به این ترتیب، در تفسیر این متون، هرگز نباید آیات و روایات دیگر را فراموش کنیم، بلکه لازم است همه را باهم و در کنار هم در نظر بگیریم. بلی، اگر کسی در آغاز آشنایی با دین و پیش از آنکه آن‌همه آیه و روایت را ببیند، این بیانات را بشنود، گرفتار شبهه و شگفتی می‌شود؛ اما اگر این گزاره‌ها در پرتو سایر آموزه‌های دین قرار گیرد، مشکلی در آن دیده نخواهد شد (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۱، ص ۴۴ - ۴۵).

### ۳. روزه

هر یک از عبادات و مناسک اسلامی تأثیر خاصی دارند که آنها را به نوعی از هم ممتاز می‌سازد؛ مثلاً نماز انسان را از فحشا و منکر دور می‌سازد (عنکبوت: ۴۵)؛ فلسفه‌ی روزه علاوه بر رسیدن به مقام تقوا (بقره: ۱۸۳)، بیشتر ناظر به یادآوری گرسنگی مساکین و رسیدگی به حال ایشان است (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۶۸)؛ حج تعظیم شعائر اسلامی است (حج: ۳۲) و ... در عین حال، این مناسک فلسفه‌های مشترکی دارند که از آن جمله می‌توان به تطهیر از گناهان و پاکی از بدی‌ها اشاره کرد. تطهیر یادشده در بعضی از روایات، در قالب تولد دوباره و بازگشت به پاکی روز ولادت ترسیم شده است. در روایتی، ثواب روزه و عبادت ماه رمضان این‌گونه آمده است: «ماه رمضان ماهی است که خدای عزوجل بر شما، روزه‌اش را واجب کرده است؛ پس هر کس آن ماه را از روی ایمان و اخلاص روزه بدارد، مانند روزی که از مادر زاده شده است، از گناهانش خارج می‌گردد» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۵۲).

البته این ویژگی برای روزه‌ی صرف نیست، بلکه روزه‌داری که زبان، چشم و فرج خود را از حرام دور می‌سازد و پاسی از شب را به عبادت و تهجد مشغول می‌شود، مشمول این نوع از عنایت است: «کسی که ماه رمضان بر او وارد شود، پس روزش را روزه بدارد و بخشی از شبش را با تلاوت قرآن و دعا بپا دارد و عضو تناسل و زبان خود را حفظ کند و چشمش را از نامحرم و مناظر زشت، فروپوشد و آزارش را از مردم بازدارد، به‌مانند روزی که از مادر متولدشده است، از گناهان بیرون می‌آید» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۹۸).

در روایتی از امام رضا<sup>(ع)</sup>، ثواب تولد دوباره برای روزه‌ی تمام ماه رجب نیز مقرر شده است

(همان، ۱۳۹۶، ص ۳۹).

به نظر می‌رسد که میان روزه و تولد دوباره رابطه تکوینی برقرار است؛ زیرا انسان با روزه گرفتن و ایجاد گرسنگی و تشنگی مقطعی و ارادی می‌تواند به تعدیل غرایز و شهوات اقدام کند و از سوئی، با الهام از اصل موفقیت، به این باور می‌رسد که اگر توانسته است با وجود گرسنگی و تشنگی، نخورد و نپاشد، پس با وجود انگیزه‌ها و غرایز نیز می‌تواند خود را از گناه دور سازد.

#### ۴. حج، عمره و زیارت

حج نقطه‌ی عطفی در زندگی انسان و فرصتی است برای تولد دوباره و آغاز یک زندگی توحیدی. انسان پس از عمری زندگی آمیخته به شرک و گناه، به خانه‌ی خدا می‌رود تا به توحید در همه‌ی شئون آن اقرار کند و زندگی جدیدی را بر مبنای توحید آغاز نماید؛ از این رو، در همان آغاز، در پاسخ به دعوت حق تعالی، با تلبیه، به توحید اقرار و شرک را نفی می‌کند و می‌گوید: «لَبَّيْكَ، اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ اِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكُ، لَا شَرِيكَ لَكَ»<sup>۱</sup>.

در روایتی، قصد بیت‌الله الحرام، اعم از اینکه در قالب حج باشد یا عمره، به شرطی که انسان از خودبینی رها شود، تولد دوباره انسان معرفی شده است: «کسی که با پیراستگی از کبر و خودبینی، برای انجام حج یا عمره، آهنگ این خانه را کند، از گناهانش مانند روزی که از مادر متولد شده، بیرون آید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۵۲)؛ یعنی زیارت خانه‌ی خدا این قابلیت را دارد که انسان را دوباره متولد کند. در روایت دیگر، امام<sup>(ع)</sup> حجاج را هنگام بازگشت به سه دسته تقسیم کرده و برای دسته‌ای، ثواب تولد دوباره را برشمرده است: «بازگشت حاجیان از سفر حج، بر سه گونه است: عده‌ای از آتش آزاد می‌شوند؛ گروهی از گناهان خود همانند روزی که از مادر متولد شده‌اند، بیرون می‌آیند؛ دسته‌ای دیگر که تنها خانواده و ثروتشان محفوظ می‌ماند و آن کمترین پاداشی است که حاجی با خود می‌آورد» (همان، ص ۲۵۳).

پس از پایان حج، هنگامی که حاجی از احرام خارج می‌شود، آن قدر سبکی و لذت معنوی وجودش را فرامی‌گیرد گویا تولدی دوباره یافته است؛ زیرا توحید مجسم را با تمام وجود لمس کرده است.

علاوه بر زیارت بیت‌الله الحرام، زیارت معصومان<sup>(ع)</sup> نیز می‌تواند تولد دوباره‌ای برای انسان رقم بزند. زیارت، فرصتی برای تولد دوباره‌ی انسان است. کسانی که دچار اشتباه و گناه شده‌اند، از فرصت زیارت می‌توانند برای تولد دوباره بهره بگیرند و راه‌های اشتباه خود را اصلاح کنند. این انقلاب باید به خواسته‌ی اصلی یک زائر تبدیل شود. در بعضی از دعاها و زیارت‌نامه‌ها چنین آمده است: «خدایا! مرا از کسانی قرار بده که از زیارت مرقد دوستان و اولیای منقلب می‌شوند و رستگار و پیروز برمی‌گردند و مستوجب بخشش گناهان و پوشاندن خطا می‌شوند» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۲۴). آنکه از زیارت برمی‌گردد، باید همراه با تحول و تغییر و توبه و انابت باشد. باید تغییری داشته باشد؛ وگرنه از زیارت بهره نگرفته

۱- پروردگار آماده‌ام، آماده‌ی فرمانم. ای خدای بی شریک! آماده‌ی اجرای احکام تو هستم. راستی که حمد شایسته‌ی تو و نعمت از جانب تو است و اینک تو را سپاس می‌گویم ای خدای یکتا!

است. گنه‌کار، از محیط پاک زیارتگاه اثر می‌پذیرد و در فضای دیگری قرار می‌گیرد. این تحول، چه‌بسا از دور فراهم نگردد. باید بیاید، رنج سفر ببیند، پای به راه نهد، با شوق و درد، وادی‌ها را بپیماید تا در کنار مرقد قرار گیرد. آنگاه این حضور، تأثیر تربیتی دارد (محدثی، ۱۳۸۶، ص ۵۹).

زیارت در اسلام، فلسفه‌ی خاصی دارد که معرفت‌افزایی زائران از جمله‌ی آن است. زائران باید با پیشوایان دینی خود آشنا شوند و به‌واسطه‌ی این زیارت، خود را به معصومان<sup>(ع)</sup> نزدیک کنند. الگوگیری از ائمه‌ی اطهار<sup>(ع)</sup> ضروری است. این بزرگواران به سبب عصمتی که دارند، از خطا و اشتباه مصون هستند و در نتیجه، هرکس به دنبال آنان حرکت کند، قطعاً نجات پیدا خواهد کرد.

چند عامل انسان را متحول می‌کند. خدایی که مقلب‌القلوب است (علم‌الهدی، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۳۱۸)، این اعجاز را و این تأثیر شگفت را و این کیمیای دگرگون‌ساز را گاهی در یک تربیت می‌نهد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۹۹) و گاهی در یک زیارت قرار می‌دهد. آری، زیارت می‌تواند نقشی دگرگون‌ساز و تحول‌آفرین داشته باشد. در زیارت مولای متقیان<sup>(ع)</sup> چنین آمده است: «السَّلَامُ عَلَی مِيزَانِ الْأَعْمَالِ وَ مُقَلَّبِ الْأَحْوَالِ»<sup>۱</sup> (شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۴۶). اگرچه مقلب‌القلوب بودن و دگرگون‌سازی دل‌ها کار خداست؛ اما خداوند، این ولایت را به ولی خود هم می‌بخشد و علی<sup>(ع)</sup> هم می‌تواند احوال را دگرگون کند و فیض نظرش خاک را کیمیا و مس دل را طلا سازد. اگر در زیارت، این تحول روحی پدید نیاید، چه سود؟ شهید اول در این‌باره می‌فرماید: «از جمله آداب زیارت این است که زائر پس از زیارت، بهتر از قبل از آن باشد» (همان، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۴). این تحول و انقلاب روحی و حال زائر، پیش و پس از زیارت، نشانه‌ی اثرپذیری از جذبه‌های معنوی است که در مزار یک امام و در کنار مرقد یک پیشوای معصوم وجود دارد (محدثی، ۱۳۸۶، ص ۵۸).

در روایتی، درباره‌ی فضیلت زیارت حضرت علی<sup>(ع)</sup> و اولاد طاهرینش چنین آمده است: «هر که زیارت کند قبور شما را، چنان است که بعد از حج واجب، هفتاد حج کرده باشد و چون از زیارت برگردد، از گناهان پاک‌شده باشد، مانند روزی که از مادر متولدشده بود» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۲). همین ثواب، در روایات فراوانی، برای زیارت امام حسین<sup>(ع)</sup> مقرر شده است: «کسی که امام حسین<sup>(ع)</sup> را زیارت کند و نیتش فقط خدا باشد، حق تعالی گناهانش را محو نموده و او را از گناهان بیرون آورده، همانند مولودی که مادرش او را زاده باشد» (ابن‌قولویه، ۱۳۵۶، ص ۱۴۵). در روایت دیگری، زیارت امام حسین<sup>(ع)</sup> و غسل با آب فرات، تولد دوباره‌ی زائر معرفی شده است (همان، ص ۱۲۳).

نه‌تنها برای زیارت امام حسین<sup>(ع)</sup>، در روایتی این ثواب برای زیارت حرم مطهر امام رضا<sup>(ع)</sup> بیان شده است: «از ابلصت هروی نقل شده که گوید: نزد امام رضا<sup>(ع)</sup> بودم، درحالی‌که مردمی از اهل قم نزد آن بزرگوار آمدند و بر او سلام دادند و حضرت جواب داد و آنان را به خود نزدیک کرد و فرمود: خوش آمدید! شما به‌درستی شیعه‌ی مایید و روزی برای شما آید که قبر مرا در طوس زیارت کنید. آری، هرکه مرا با غسل زیارت کند، از گناهانش بدر آید، چون روزی که از مادرش زاده»

۱- سلام بر کسی که معیار سنجش اعمال و دگرگون‌ساز حالات انسان است.

(صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۶۰).

البته ثواب تولد دوباره، همان‌گونه که در روایت اول گذشت، مخصوص امام علی<sup>(ع)</sup>، امام حسین<sup>(ع)</sup> و امام رضا<sup>(ع)</sup> نیست، بلکه بر اساس تصریح روایتی، این ثواب برای زائر در زیارت تمام شهدای آل محمد<sup>(ص)</sup> رقم خواهد خورد (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۱۴).

## ۵. قرائت قرآن

اشتقاق واژه‌ی قرآن از ماده‌ی «ق. ر. ء»، به اهمیت قرائت در این کتاب آسمانی اشاره دارد؛ از این رو به نظر می‌رسد واژه‌ی قرآن باید به خواندنی ترجمه شود. بر خواندن و قرائت کردن، در آیات فراوانی از قرآن تأکید شده است. اولین آیه‌ای که بر پیامبر وحی شد، دستور به قرائت بود (علق: ۱). قرآن وجود مشکلات زندگی را مانعی برای قرائت نمی‌داند و قرائت به اندازه‌ی ممکن و قدر میسور را پیشنهاد کرده است (مزمّل: ۲۰). اهمیت قرائت به اندازه‌ای است که یکی از واجبات یازده‌گانه‌ی نماز است (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۸۳). اهمیت قرائت به این علت است که خواندن بهترین راه برای به جان سپردن آیات الهی است، به‌ویژه اگر این قرائت، به تدریج و با ترتیل بوده باشد (فرقان: ۳۲).

به هر روی، برای تشویق به خواندن قرآن، قالب‌های فراوانی وارد شده که یکی از آنها، تولد دوباره برای قاری است. در روایتی، ثواب خواندن سوره‌ی قدر در هنگام وضو، تولد دوباره معرفی شده است: «هر مؤمنی در وضوی خود، سوره‌ی قدر را قرائت کند، از گناهانش خارج می‌شود، مثل روزی که از مادرش متولد شده است» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۲۰).

برای ثواب خواندن توحید و معوذتین سه بار هنگام خواب نیز، این تعبیر به کار رفته است: «هر کس سوره توحید، قل و ناس را سه بار پیش از خواب قرائت کند، مانند کسی است که تمام قرآن را خوانده است و برای او به سبب قرائت هر آیه از قرآن، ثواب پیامبری از پیامبران الهی نوشته می‌شود و او از گناهانش خارج می‌شود، مانند روزی که از مادر زاده شده است» (همان، ج ۴، ص ۲۹۳).

درباره‌ی ثواب خواندن سوره‌ی توحید در ماه رجب نیز، همین قالب استفاده شده است: «هر کس در ماه‌های رجب، از عمرش ده هزار بار سوره‌ی توحید را خالصانه قرائت کند، روز قیامت در حالی وارد محشر می‌شود که هیچ گناهی ندارد، مثل روزی که از مادر زاده شده است و هفتاد فرشته به پیشوازش می‌آیند و او را به بهشت مژدگانی می‌دهند» (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۱۷). این تعبیر هم جنبه‌ی انگیزشی دارند و از سویی، همان‌گونه که گفته شد، بیان واقع بوده و تبیین اثر تکوینی است.

## ۶. ذکر و دعای خاص

ذکر الهی و یادآوری صفات او، چه به زبان و چه به صورت قلبی، در معارف اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. قرآن درباره‌ی بسیاری از مظاهر عبادی، حد و حدودی بیان می‌کند؛ مثلاً درباره‌ی نماز، آن را تنها در اوقات معینی واجب می‌داند (نساء: ۱۰۳)؛ به روزه، تنها در ایام معدودی امر کرده است (بقره: ۱۸۴)؛ درباره‌ی انفاق

مالی، تنها یک پنجم درآمد را واجب دانسته است (انفال: ۴۱) و همواره در امور مالی به رعایت اعتدال دعوت و از زیاده روی در آن نهی کرده است (اسراء: ۲۹)؛ حج با اهمیتی که دارد، در عمر یکبار، آن هم برای فردی که استطاعت دارد، واجب است (آل عمران: ۹۷)؛ اما آیات قرآن هنگامی که به ذکر الهی می‌رسند، حد و حدودی برای آن در نظر نمی‌گیرند و به ذکر کثیر (احزاب: ۴۱)، حمد روزانه و شبانه (روم: ۱۸) و تسبیح صبحگاهی و شبانگاهی (فتح: ۹) دعوت می‌کنند. البته همان گونه که در آموزه‌های دینی تأکید شده، ذکر اصلی، یادآوری خدا هنگام گناه و انجام ندادن آن است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۵۸).

در روایات فراوانی، ثواب تولد دوباره برای بعضی از اذکار وارد شده است؛ از جمله‌ی آن موارد، ذکر صلوات بر محمد<sup>(ص)</sup> و آل محمد<sup>(ص)</sup> است:

«ابن‌ابی حمزه گوید: پدرم گفت: از امام صادق<sup>(ع)</sup> معنی قول خدای عزوجل چیست که فرمود: همانا خداوند و فرشتگان او درود می‌فرستند بر پیغمبر، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صلوات فرستید بر او، سلام گفتنی؛ ... عرض کردم: چگونه بر محمد و خاندانش درود فرستیم؟ فرمود: بگوئید: رحمت‌های الهی و درود فرشتگان او و پیامبران و فرستادگان وی و تمامی آفریدگانش بر محمد و خاندان او باد و سلام و رحمت و برکات خداوند بر آن بزرگوار و بر ایشان باد. روای گوید: عرضه داشتم: پاداش کسی که بر محمد و خاندانش با این تحیت‌ها درود فرستد، چیست؟ فرمود: به خدا سوگند! مانند پای و بی‌گناهی روزی که از مادر متولد گشته، از گناهان بیرون آید» (همان، ص ۳۶۸).

نکته جالبی که در این روایت وجود دارد، قالب خاصی است که امام<sup>(ع)</sup> آن را برای ذکر صلوات بیان کرده است. در روایت دیگری، همین ثواب برای تعبیر معروف «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» وارد شده است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۳۳۵).

در بعضی از روایات، برای ذکر «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، یکبار و به صورت تنها (همان، ص ۳۷۳) و ده بار به همراه ذکر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، ثواب تولد دوباره مقرر شده است (همان، ص ۳۷۸).

در روایت دیگری، برای ذکر خاصی هنگام افطار، ثواب تولد دوباره وارد شده است: «هر بنده‌ی روزه‌داری، هنگام افطار، این دعا را بخواند که «ای عظیم و بزرگوار! ای عظیم و بزرگوار تو خدای منی! معبودی غیر از تو ندارم، گناه بزرگم را ببخش؛ زیرا گناه بزرگ را فقط بزرگوار می‌بخشد»، همانند روزی که به دنیا آمده از گناهان پاک می‌شود» (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۴۰).

در روایتی، برای حمد الهی در قالب خاصی هنگام خواب، ثواب تولد دوباره در نظر گرفته شده است: «هر کس هنگامی که به بستر خواب می‌رود، سه بار بگوید: «سپاس از آن خدا است که فرزنده است و مسلط و سپاس از آن خدا است که نهان است و آگاه و سپاس از آن خدا است که مالک است و اندازه‌گیر و سپاس از آن خدا است که زنده کند مرده‌ها را و میراند زنده‌ها را و او بر هر چیز توانا است»، از گناهان بیرون آید، مانند روزی که مادر او را زاییده» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۳۵).

در روایت دیگری، برای تسبیح و تقدیس الهی در دل شب و در قالب «اللَّهُ أَكْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَفُورَ

الرَّحِيمِ»<sup>۱</sup>، ثواب تولد دوباره در نظر گرفته شده است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۰۲). این ثواب همان‌گونه که در موارد پیشین گذشت، هم جنبه‌ی تشویقی دارد تا انگیزه را برای ذکر الهی در حالات مختلف و ساعات گوناگون شبانه روز تقویت کند و از سوی، بیان واقع بوده و تأثیر تکوینی این اذکار را در تولد دوباره‌ی انسان نشان می‌دهد.

## ۷. رسیدگی به بیمار و تجهیز میت

از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، مسلمان بر مسلمان حقوقی دارد؛ اگر بیمار شود باید به عیادتش رفت، اگر از دنیا رفت، باید در مراسم تشییع جنازه‌ی او شرکت کند و برایش از خدا آمرزش و مغفرت بطلبد (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۳۵۹).

اساس روابط افراد در جامعه‌ی اسلامی، بر مهر و محبت استوار است. اگر احساسات و عواطف از جامعه جدا شود، بسیاری از ضروریات تعطیل می‌شود؛ به‌عنوان نمونه، خانواده بهترین مثال برای این موضوع است. خانواده، خود جامعه‌ی کوچکی است. والدین با مهر و محبتی که به فرزندان دارند، بی‌چشم‌داشت برای آنان زحمت می‌کشند. در این میان، مادر مثال بسیار آشکاری برای کانون گرم محبت و احساسات خانوادگی است. مادر اگر فرزند شیرخوارش را از شیرهی جانش سیراب می‌کند، توقع چندانی از او ندارد. او با این کار، آرامش را برای روح و روان خود ارمغان می‌دهد و شاید این آرامش، اثر تکوینی همان فرشته‌ای است که پس از سیر شدن نوزاد به مادر می‌گوید: زندگی را از نو آغاز کن، خدا تمام گناهانت را بخشید (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۴۱۲).

جامعه‌ی آرمانی اسلام نیز بر همین منوال اداره می‌شود. مؤمن، مؤمن را عضوی از خانواده و برادر خود می‌داند (حجرات: ۱۰). او بدون هیچ چشم‌داشت و توقعی، هنگام نیاز برادرش، به یاری‌اش می‌رود؛ اگر بیمار شود، به عیادتش می‌رود و اگر بمیرد، در مراسم خاک‌سپاری او شرکت می‌کند. همه‌ی این‌ها را ادای دینی می‌داند که خداوند بر عهده‌ی او گذاشته است و طبیعتاً اجر و پاداش دنیوی و اخروی نیز برایش رقم خواهد خورد. آرامش، اثر تکوینی عمل به وظایف دینی است. هنگامی که مسئولیتی الهی متوجه انسان باشد و انسان بتواند از عهده‌ی آن به‌خوبی برآید، گویا تولدی دوباره یافته است. مقایسه‌ی جامعه‌ی آرمانی اسلام با جامعه‌ای که تنها مادیات در آن حاکم است و جایی برای ارزش‌های والای الهی و انسانی وجود ندارد، می‌تواند در روشنگری این موضوع نقش بسزایی داشته باشد.

در روایتی، پیامبر مکرم<sup>(ص)</sup> ضمن تشویق جامعه‌ی اسلامی به تلاش و کوشش برای امداد بیماران، ثواب بازگشت به پاکی روز ولادت را برای تلاش در رسیدگی به امور بیمار معرفی کرده است: «هر کس برای قضای حاجت بیماری کوشش کند و آن را بتواند به انجام رساند یا نتواند، از گناهانش

۱- خدا بزرگ است و حمد از آن خداست و پاک و منزّه است او و معبودی جز او نیست، یکتا و بی‌شریک است، پادشاهی، حمد و ستایش از آن اوست، زنده می‌کند و می‌میراند و او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد و او بر هر چیزی تواناست و حول و قوه‌ای به غیر او نیست که علی و عظیم است، خدایا! من از تو آمرزش می‌خواهم که تو آمرزنده و مهربانی.

پاک‌شده، همچون روزی که مادرش او را زاده است» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۵).  
 در حدیث دیگری که حدیثی است قدسی، خداوند متعال می‌فرماید: «من کسی را که مردگان را غسل می‌دهد، از گناهانش پاک می‌کنم، به‌سان روزی که از مادر زاده شده است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۶۴).  
 در روایت دیگری، همین ثواب به همراه پوشاندن عورت و نگاه نکردن و بازگویی نکردن عیوب بدنی میت مقرر شده است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۴۱).  
 علاوه بر تصدی امور تغسیل، برای شرکت در مراسم خاک‌سپاری و تشییع جنازه‌ی مؤمن نیز، ثواب بازگشت به پاکی روز ولادت وارد شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۳۴۱).  
 مقرر شدن ثواب بازگشت به پاکی روز ولادت، برای چنین خدماتی، چه‌بسا از این‌روست که این‌گونه خدمات، غالباً با دشواری‌های روحی و روانی همراه است و انگیزه برای پذیرش این‌گونه از خدمات عمومی، در میان اقشار جامعه اندک است؛ از این‌رو نخست، شرع مقدس اسلام تصدی خدمات یادشده را به‌صورت واجب کفایی، بر دوش تک‌تک مسلمانان گذاشته است (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۱۹)؛ دوم، با قرار دادن ثوابی نظیر بازگشت به پاکی روز ولادت، انگیزه‌ی لازم برای تصدی این‌گونه خدمات را برای افراد جامعه اسلامی ایجاد کرده است. ضمن اینکه ثواب یادشده، امری قراردادی نیست، بلکه حکایت از واقع است؛ یعنی تکویناً و به اذن الهی، این تأثیر در چنین خدماتی وجود دارد. اگر در تعبیر سخن، از «قرار دادن ثواب» به میان می‌آید، به سبب ضیق تعبیر و نوعی مسامحه در آن است.

### نتیجه‌گیری

استفاده از قالب تمثیل برای بیان ثواب و عقاب یکی از روش‌های شایعی است که در گفتار معصومان<sup>(ع)</sup> فراوان وارد شده است. تأثیر تشبیه و تمثیل در ایجاد انگیزه در مخاطب، برای انجام کارهای نیک و دوری از کارهای بد از آن‌روست که شدت خوبی و بدی در «مشبه‌به»، به‌وضوح برای مخاطب معلوم است؛ در نتیجه، تأثیر تربیتی و انگیزشی لازم را در او به وجود می‌آورد؛ مثلاً تشبیه رباخوار به کسی که با مادر خود در مسجد الحرام زنا می‌کند، به‌تنهایی برای این مدعا کافی است. از آنجاکه شاید انگیزه‌ی مخاطب نسبت به احتراز از رباخواری کافی نباشد، آموزه‌های روایی این کار را مانند زنا با مادر در مسجد الحرام معرفی کرده‌اند تا انگیزه‌ی لازم را در او ایجاد کنند. در بُعد ایجابی نیز، مثلاً شاید کسی انگیزه‌ی لازم نسبت به توبه را نداشته باشد؛ از این‌رو، بر گناهان خود پافشاری می‌کند و به توبه رغبتی ندارد؛ اما هنگامی که بداند توبه‌کننده از گناهان، مانند کسی است که هیچ گناهی نکرده، نسبت به توبه راغب خواهد شد؛ در موضوع ثواب بازگشت به پاکی روز ولادت نیز به همین صورت است. آموزه‌های روایی، برای تشویق مخاطب به انجام دادن اموری از قبیل وضو و غسل، نماز، روزه، حج، عمره و زیارت، قرائت قرآن، ذکر و دعای خاص و رسیدگی به بیمار و تجهیز میت، ثواب این عناوین را در قالب «کیوم وکدته اُمّه» بیان کرده‌اند تا در مخاطب، انگیزه کافی را برای انجام این عناوین ایجاد کنند.  
 ارتباطی که میان عناوین یادشده برقرار شده، از نتایج مهم این پژوهش است. این عناوین به

لحاظ تکوینی، قابلیت پاک‌سازی و طهارت را برای انجام‌دهنده فراهم می‌کنند و اگر در تعبیر از واژگانی نظیر «قرار دادن ثواب برای عمل» استفاده شده، همگی به سبب ضیق تعبیر بوده و نوعی مسامحه در آن است؛ مثلاً روزه به علت گرسنگی و تشنگی مقطعی ارادی، تهرینی برای ترک گناه است. درعین‌حال، نباید از نظر دور داشت که عناوین یادشده، تنها اقتضای پاکی و طهارت را دارند و فعلیت یافتن آن، در گرو شرایط دیگری است که می‌توان آن را در «عمل به مجموع آموزه‌های دینی» خلاصه کرد.

## منابع

- قرآن کریم.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ مناقب آل ابی طالب<sup>(ع)</sup>؛ قم: علامه، ۱۳۷۹ ش.
- ابن طاووس، علی بن موسی؛ الاقبال بالاعمال الحسنة؛ مصحح: جواد فیومی اصفهانی؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- \_\_\_\_\_؛ جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع؛ قم: دار الرضی، ۱۳۳۰ ش.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد؛ کامل الزیارات؛ مصحح: عبدالحسین امینی؛ نجف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ المحاسن؛ مصحح: جلال الدین محدث؛ قم: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
- خمینی، سید روح الله؛ تحریر الوسيلة؛ ترجمه‌ی علی اسلامی؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۵ ق.
- سید رضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغة؛ مصحح: صبحی صالح؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- شریعتی، علی؛ خودسازی انقلابی؛ تهران: حسینیه ارشاد، ۱۳۵۷ ش.
- شهید اول، محمد بن مکی؛ الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
- \_\_\_\_\_؛ المزار؛ محقق: محمد باقر موحد ابطحی؛ قم: مدرسه امام مهدی<sup>(ع)</sup>، ۱۴۱۰ ق.
- صالح آبادی، محمد حسین؛ «نگاهی به سازوکار ثواب و عقاب الهی»، علوم حدیث، شماره‌ی ۶۷، ۱۳۹۲ ش.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ الامالی؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
- \_\_\_\_\_؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال؛ قم: دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ ق.
- \_\_\_\_\_؛ عیون اخبار الرضا<sup>(ع)</sup>؛ مصحح: مهدی لاجوردی؛ تهران: جهان، ۱۳۷۸ ش.
- \_\_\_\_\_؛ فضائل الاشهر الثلاثة؛ مصحح: غلامرضا عرفانیان؛ قم: داوری، ۱۳۹۶ ش.
- \_\_\_\_\_؛ کمال الدین و اتمام النعمة؛ مصحح: علی اکبر غفاری؛ تهران: اسلامیة، ۱۳۹۵ ش.
- \_\_\_\_\_؛ الخصال؛ مصحح: علی اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
- \_\_\_\_\_؛ معانی الاخبار؛ علی اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
- \_\_\_\_\_؛ من لا یحضره الفقیه؛ علی اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
- طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الاخلاق؛ قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۰ ش.
- طوسی، محمد بن حسن؛ الامالی؛ قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
- \_\_\_\_\_؛ تهذیب الاحکام؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- عالمزاده نوری، محمد؛ «ثواب و عقاب‌های شگفت‌انگیز»، پژوهش‌های قرآنی، شماره‌ی ۷۱، ۱۳۹۱ ش.
- عریضی، علی بن جعفر؛ مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها؛ قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۹ ش.
- علم الهدی، سید مرتضی؛ امالی المرتضی؛ مصحح: ابراهیم محمد ابوالفضل؛ قاهره: دار الفكر العربی، ۱۹۹۸ م.
- عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی؛ مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی؛ تهران: المطبعة العلمیة، ۱۳۸۰ ش.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد؛ روضة الواعظین و بصیرة المتعظین؛ قم: رضی، ۱۳۷۵ ش.
- قاسمی، مهدی و ایازی، سید محمد علی؛ «تمثیل‌های عیسی در اناجیل و قرآن با تأکید بر زبان

- ابلاغی»؛ هفت آسمان، شماره‌ی ۶۷، ۱۳۹۴ ش.
- کاشف‌الغطاء، جعفر؛ کشف‌الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۲ ق.
  - کریمی یزدی، حسن؛ کوهپایه، علیرضا؛ ذکری، سیده منصوره؛ «اسرار علمی وضو از دیدگاه بهداشتی و پزشکی»؛ دانشگاه علوم پزشکی قم، شماره‌ی ۳، ۱۳۹۰ ش.
  - کفعمی، ابراهیم‌بن‌علی؛ البلد الامین و الدرع الحصین؛ بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ ق.
  - کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ الکافی؛ مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دار‌الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
  - محدثی، جواد؛ فرهنگ زیارت؛ تهران: مشعر، ۱۳۸۶ ش.
  - محمدقاسمی، حمید؛ تمثیلات قرآن؛ تهران: اسوه، ۱۳۸۲ ش.
  - مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۴ ش.
  - مفید، محمدبن‌نعمان؛ کتاب المزار؛ مصحح: محمدباقر ابطحی؛ قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
  - مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار‌الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
  - المناوی، عبدالرووف‌بن‌محمد؛ الجامع‌الازهر فی حدیث‌النبی‌الانور؛ بیروت: دار‌الفکر، ۱۹۹۴ م.
  - النمیری، عمر؛ «دراسات تربویة الثواب و العقاب فی التریبة»؛ البیان، العدد ۱۳۷، ۱۴۲۰ ق.
  - نوری، حسین؛ مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل؛ قم: موسسه آل‌البتیت، ۱۴۰۸ ق.